

بررسی تطبیقی اعجاز علمی قرآن کریم از دیدگاه جعفر نکونام و محمدعلی رضایی اصفهانی

خدیدجه احمدی^۱، محمد مهدی کریمی نیا^۲، مجتبی انصاری مقدم^۳

^۱ طلبه سطح سه (کارشناسی ارشد)، رشته تفسیر و علوم قرآن، مدرسه علمیه الزهراء دزفول، استان خوزستان، پژوهشگر و فعال فرهنگی

^۲ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، طلبه و پژوهشگر حوزه علمیه قم

^۳ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، مدرس دانشگاه و پژوهشگر (نویسنده مسئول)

چکیده

یکی از جنبه های اعجاز قرآن که از دو دهه اخیر مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است، اعجاز علمی قرآن است. مفسران و صاحب نظران در مورد اعجاز علمی دیدگاه های متفاوتی اتخاذ کرده اند. برخی آن را به طور کامل پذیرفته اند و عده ای نیز مخالف اعجاز علمی در قرآن اند و صحت آن را انکار کرده اند، در این مقاله سعی شده است به بررسی تطبیقی دیدگاه های دو نظریه پرداز مطرح در میان فارسی زبانان یعنی دیدگاه های جعفر نکونام و محمدعلی رضایی اصفهانی در باب اعجاز قرآن کریم در دو مورد اشاره قرآن به حرکت های خورشید و هفتگانه بودن آسمان ها پرداخته شود و دلایل و استدلال های آنها بررسی و تحلیل شود و این پژوهش به روش توصیفی، تحلیلی تطبیقی به بررسی دیدگاه های جعفر نکونام، یکی از مخالفان نظریه اعجاز قرآن کریم و محمدعلی رضایی اصفهانی از موافقان این دیدگاه پرداخته است و یافته های حاصل از این پژوهش نشان می دهد که علت اصلی اختلاف دیدگاه ها در زمینه اعجاز علمی قرآن کریم عرف عام یا خاص دانستن زبان قرآن می باشد.

واژه های کلیدی: اعجاز علمی قرآن، جعفر نکونام، محمدعلی رضایی اصفهانی، حرکت خورشید، هفتگانه بودن آسمان ها و زمین.

مقدمه

قرآن کریم آخرین سروش آسمانی است که بر آخرین پیامبر یعنی حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) فرود آمد و جهانیان را به نور و کمال هدایت کرد. قرآن نه فقط یک کتاب بلکه، یک معجزه است که نشانه صدق پیامبر می باشد و از این رو اعجاز قرآن از همان اوایل ظهور اسلام مورد توجه مسلمانان و مخالفان آنها قرار گرفت. اعجاز قرآن دارای ابعاد متفاوتی است مثل: فصاحت و بلاغت، محتوای عالی، اخبار غیبی و...

پس از آشنایی مسلمانان با علوم یونان (از قرن دوم به بعد) و انطباق قرآن با علوم تجربی که از قرن چهارم هجری (در نوشته های بوعلی سینا) رخ نمود، نوع جدیدی از تفسیر قرآن پیدا شد که به نام تفسیر علمی خوانده شد و در دو قرن اخیر، در پی رشد چشمگیر علوم تجربی در غرب، این نوع تفسیر اوج گرفت.

در دامن تفسیر علمی، بُعدی دیگر از اعجاز قرآن مطرح شد که به نام اعجاز علمی قرآن خوانده شد و بسیاری از مفسران قرآن و صاحب نظران (پزشکان، مهندسان و...) در این حوزه قلم زدند. اما در این میان برخی راه افراط و تفریط را در پیش گرفتند به طوری که برخی بیش از ۳۰۰ آیه قرآن را بر علوم تجربی تطبیق کردند و در بسیاری از موارد ادعای اعجاز علمی نمودند.

از جمله افرادی که اعجاز علمی قرآن را منکر شدند دکتر جعفر نکونام، دانشیار دانشگاه قم می باشد و در مقابل برخی اندیشمندان قائل به وجود اعجاز علمی در برخی از آیات و اشارات قرآنی می باشند یکی از این افراد دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی می باشند که ما در این مجال برآنیم که دیدگاه های این دو اندیشمند را در دو مورد از اعجاز علمی قرآن کریم یعنی اشارات قرآن به حرکت های خورشید و هفتگانه بودن آسمانها و زمین را به صورت تطبیقی بررسی نموده و دلایل و استدلال های آنها را ذکر کنیم.

این پژوهش با روش توصیفی- تحلیلی و شیوه کتابخانه ای با مطالعه و جمع آوری نظرات و تحلیل های دیگران در باب اعجاز علمی قرآن کریم شکل یافته است.

۱. مفهوم شناسی

«اعجاز» مصدر ثلاثی مزید از ریشه «عجز» است. معنای لغوی عجز از عهده کار برنیامدن است؛ در مقابل «قدر» به معنای توانستن است و وقتی می گویند: «اعجزه الأمر»؛ یعنی آن کار او را ناتوان کرد و نتوانست آن را انجام دهد. (راغب اصفهانی، مفردات راغب، ص ۵۵۳-۵۵۲)

هرچند معانی دیگری برای این ریشه گفته اند که هریک مصداق، مورد یا کاربرد خاصی از همین معناست. (ابن منظور، لسان العرب، ۴۴۴ ق، ج ۵، ص ۲۶۹).

برخی می گویند عجز به معنای پایان عمر شیئی است (ابن فارس، مقاییس اللغة، ج ۴/۲۳۴) در قرآن، معنای لغوی این واژه به کار رفته است؛ مانند:

«إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُّسْتَمِرٍّ. تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أُعْجَازُ نَخْلٍ مُّنْقَعِرٍ (سوره قمر، آیات ۱۹ - ۲۰)؛

ما بر هلاک آنها تند بادی در روز نحسی پایدار فرستادیم. که آن باد مردم را از جا بر می کند چنانکه ساق درخت خرما از ریشه افکنند.

اعجاز در علم کلام، یعنی فرد مدعی نبوت، باید برای اثبات حقانیت خود کاری کند که دیگران نتوانند آن را با علل و عوامل ظاهری انجام دهند؛ یعنی خرق عادت کند و طرف مقابل هم از آوردن مثل آن ناتوان باشد؛ ضمن اینکه شاهی بر صدق ادعای

آنان است. آن عمل خارق العاده را «اعجاز» و نتیجه اعجاز را که پدیده ای غیرعادی است، «معجزه» می نامند. (خویی، البیان فی تفسیر قرآن، ص ۳۳)

آیت الله جوادی آملی اعجاز را چنین تعریف می کنند:

«به کار ویژه و خارق العاده ای گفته می شود که تنها فرستادگان الهی توان انجام آن را دارند و بشر عادی حتی اگر تمام توان خود را به کار گیرد، از آوردن مثل آن عاجز و ناتوان است. (جوادی آملی، قرآن در قرآن، ص ۸۹)

بنابراین، اعجاز گواهی بر اثبات مدعی نبوت و نشانگر ضعف و ناتوانی دیگران از آوردن مانند آن است، هرچند معاندان و مخالفان، تمام نیروی خود را متمرکز کنند.

مراد از علم در این مبحث، علوم تجربی است؛ یعنی علمی که با امتحان و تجربه (آزمایش و خطا) درستی یا نادرستی نظریه ها و قوانین طبیعت را بررسی می کند؛ پس تفسیر علمی، همان توضیح دادن آیات قرآن، با علم تجربی است. (رضایی اصفهانی، پرسش های قرآنی جوانان، ص ۲۲)

با بررسی معنای هرکدام از واژه ها می توان گفت: مقصود از اعجاز علمی قرآن آن است که کسی قبل از نزول آیه، از آن اطلاع نداشته است و مدت ها بعد از نزول آیه، دانشمندان علوم تجربی آن را کشف می کنند. این مطلب علمی طوری است که با وسایل عادی عصر نزول کشف شدنی نبوده است. (همان، ص ۸۵)

۲. اعجاز علمی

دکتر جعفر نکونام به طور کلی اعجاز علمی قرآن را رد می کند و آن را نوعی تفسیر به رأی می پندارد. وی معتقد است که قرآن کتابی است که به زبانی رسا و قابل فهم برای عرب حجاز عصر پیامبر نازل شده تا آنان را از عقاید و سنن باطل به عقاید و سنن صحیح راهنمایی کند و از رهگذر آن، زندگی اخلاقی و انسانی آنان را سامان دهد.

اعجاز علمی در قرآن، به این معنا که عرب عصر نزول مراد الهی از آیلست قرآن را درک نکرده و انسان ها امروزه قادر به کشف آن شده اند، باطل است. (نکونام، ۱۳۸۱، ۲۰) از نظر وی، براساس روایات منقول ائمه که «خدا هرگز به گونه ای که مردم نفهمند سخن نمی گوید» یا «هر که معتقد باشد قرآن مبهم است هم خود را هلاک کرده و هم دیگران را به هلاکت انداخته است»، هدف خداوند در قرآن کریم طرح معما با ایجاد مسئله برای انسان نیست، بلکه غرض وی هدایت بشر و رساندن انسان به خانه ی سعادت است و خداوند هرگز رمزآلود و گنگ سخن نمی گوید. (نکونام، ۱۳۹۲، الف ۶۷۳- نکونام، ۱۳۹۲ ب)

نکونام در این زمینه می گوید:

«خداوند با بشر در چهارچوب ظرفیت عقلی اش سخن می گوید و تکالیف را مقرر می کند قرآن در زمانی نازل شد که ظرفیت عقلی مخاطبان قرآن در حد نگاه ظاهری بود؛ لذا طبق نگاه ظاهری و بر اساس زبان عرف عام آنان، با آن ها سخن گفته و تکلیف کرده است (نکونام: ۱۳۹۲)

به طور کلی، از نظر نکونام، حاصل اعجاز علمی این است که مقاصد قرآن را مخاطبانش یعنی عرب حجاز عصر پیامبر نفهمیدند و اکنون دانشمندان معاصر، بعد از قرن ها، بر اثر کشفیات علمی قادر به فهم مقاصد قرآن شده اند وی این ادعا (اعجاز علمی قرآن) را به این دلیل باطل می داند که «لازمه ی این ادعا آن است که نه فقط عرب عصر نزول مقاصد الهی را نفهمیده، بلکه این نفهمی یا کج فهمی تا قرن ها نیز ادامه داشته است. بدین طریق، عربی مبین بودن قرآن و هدایت بخشی آن مورد تردید واقع می شود.»

پاسخ:

هدف اصلی قرآن، بیان علوم طبیعی و ذکر فرمول های فیزیک، شیمی و امثال آن ها نیست، ولی می توان گفت که قرآن اشارات علمی دارد که در راستای اهداف هدایتی و تربیتی خود از آن ها استفاده کرده ست. (مکارم شیرازی، قرآن و آخرین پیامبر، ص ۱۴۸)

رضایی اصفهانی می گوید:

«قرآن برای یک نسل خاص، نازل شده است و این که با مرور زمان معانی و مصادیق برداشت کند».

قرآن برای یک نسل خاص، نازل شده است و این که با مرور زمان، معانی و مصادیق تازه ای از آیات قرآن فهمیده یا کشف شود و تفسیرها و تبیین های جدیدی از آن ها ارائه شود، دلیل عظمت قرآن است و این اوج بلاغت است که کسی طوری سخن گوید که هر کس و هر نسل به اندازه فهم و علم خود از آن برداشت کند.

البته معانی الفاظ قرآن بر اساس همان لغت صدر اسلام معنا می شود و معانی دیگری از الفاظ اراده نشده است ولی آیا همه آیات قرآن و معانی بلند را عرب صدر اسلام متوجه می شد؟

درست است که هدف غایی قرآن، تربیت انسان و بیان احکام تعبدی در مواردی خاص است، ولی این ادعا؛ با این مطلب که قرآن به طور اشاری به بیان مطالبی پرداخته که بدون توجه به کشفیات علوم تجربی قابلیت فهم صحیح از آن ها وجود ندارد، منافات ندارد؛ چراکه هدف از این آیات نیز در نهایت به پرورش انسان در ترغیب به علم اندوزی- که خود از جمله بهترین صور کمال انسان محسوب می شود- و یا پرورش اخلاق و یا اثبات خدای متعال و... منجر می شود. از طرفی نیز وجود آیات برهانی و غیرتعبدی در قرآن، خود نقضی بر ادعای مطرح شده است.

در ضمن اگر آیات قرآن منحصر به مخاطبان صدر اسلام باشد، قرآن به کتابی تاریخی تبدیل می شود و می میرد. مطابق قاعده جری و تطبیق نیز، قرآن هرروز هدایت و مطلب تازه ای دارد و هرروز مصداق های جدیدی در نسل های بشری پیدا می کند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۶: ب: ۵۹) و این همان رمز جاودانی اسلام است.

این که مردم در هر عصری به یک سری واقعیات قطعی علمی جاهل باشند موجب باطل شدن اعجاز علمی قرآن نمی شود، بلکه همین مطلب خودش دلیل اعجاز علمی قرآن است که آورنده قرآن از قطعیات علوم اطلاع داشته و دانشمندان، حتی در دوران حاضر اطلاع کافی ندارند و هرچه علم بیش تر پیشرفت کند مطالب علمی قرآن روشن تر می شود. (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۵: ۷۵)

آیت الله معرفت می فرمایند:

«اعجاز علمی قرآن، مربوط به اشاراتی است که از گوشه های سخن حق تعالی نمودار گشته و هدف اصلی نبوده است، زیرا قرآن کتاب هدایت است و هدف اصلی آن جهت بخشیدن به زندگی انسان و آموختن راه سعادت به او است. از این رو اگر گاه در قرآن به برخی اشارات علمی برمی خوریم، از آن جهت است که سخن از منبع سرشار علم و حکمت الهی نشأت گرفته و از سرچشمه ی علم بی پایان حکایت دارد.

«قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذِي يُعَلِّمُ السِّرَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (سوره فرقان، آیه ۶)؛

بگو: آن را کسی نازل ساخته است که راز نهان را در آسمان ها و زمین می داند».

و این یک امر طبیعی است که هر دانشمندی هرچند در غیر رشته ی خود سخن گوید، از لا به لای گفته هایش گاه تعبیری ادا می شود که حاکی از دانش و رشته ی تخصصی وی می باشد. همانند آن که فقیهی درباره یک موضوع معمولی

سخن گوید، کسانی که با فقهت آشنایی دارند از تعبیر وی درمی یابند که صاحب سخن، فقیه می باشد، اگرچه آن فقیه نخواستۀ تا فقهت خود را در سخنان خود بنمایاند. هم چنین است اشارات علمی قرآن که تراوش گونه است و هدف اصلی کلام را تشکیل نمی دهد. (علوم قرآنی، محمدهادی معرفت، ص ۳۴۲؛ محمدهادی معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۶، ص ۲۱)

۳. نمونه هایی از اشارات علمی

در قرآن از این گونه اشارات علمی و گذرا بسیار است. برخی از این اشارات از دیرزمان و برخی در سالیان اخیر با ابزار علمی روشن شده و شاید بسیاری دیگر را گذشت زمان آشکار سازد. دانش مندان (به ویژه در عصر اخیر) در این باره بسیار کوشیده اند، گرچه افرادی به خطا رفته و بسیاری نیز موقت گردیده اند. در این جا به جهت اختصار به دو نمونه بسنده می کنیم.

۳-۱. اعجاز علمی قرآن در حرکت خورشید

قرآن مجید در آیه ۳۸ و ۴۰ سوره یس می فرماید:

«وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ. لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ»

و خورشید (برای آنها از نشانه های خداست) که پیوسته به سوی قرارگاهش در حرکت است، این تقدیر خداوند قادر و دانا است- نه برای خورشید سزاوار است که به ماه برسد و نه شب بر روز پیشی می گیرد، و در هر کدام از آنها در مسیر خود شناورند».

در ذیل این آیات تفاسیر مختلفی وجود دارد؛

۳-۱-۱. معنای فلک

واژه «فلک» ۲۵ مرتبه در قرآن به کار رفته که در ۲۳ مورد به صورت «الْفُلُک» و به معنای «کشتی» و در دو مورد به صورت «فُلُک» و به معنای اصطلاحی مدار کرات به کار رفته است. این واژه در ابتدا و در زمان نزول بیشتر به معنای قطعه زمین با تپه ای شنی گرد که بلندتر از اطراف خود باشد، کاربرد داشته است. (ابن منظور، ۱۴۱۰، ص ۴۷۸). اصل معنای گردی و برجستگی، مبنا و پایه معنای ثانوی نیز بوده است. مثلاً به دوک پشم ریزی فلکه گفته می شود و از این معنای «فُلُک الجدی»، دوکی در دهان بزغاله بگذاری تا از شیر خوردن بازش دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۹۶/۳-۹۵) اشتقاق یافته است. بعضی از اعراب گفته اند، فلک همان موج است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴۷۹/۱۰) در این تعبیر ابن مسعود نیز محیط مدور، در معنای فلک لحاظ شده است.

رضایی اصفهانی می گوید:

ظاهر آیه (سوره یس، آیات ۳۷ تا ۴۰) همان حرکت دورانی خورشید در یک مدار ثابت است که با واژه «يُسَبِّحُونَ» در ذیل آیه تایید می شود و حرکت انتقالی خورشید به طرف یک مکان نامعلوم را می توان از کلمه «مستقر» استفاده کرد اما تعیین این مکان و یا تحمیل آن بر آیه قرآن صحیح به نظر نمی رسد چرا که تعیین قطعی این مکان مشخص نیست و لذا می توان مکان های حدسی را بر قرآن نسبت داد.

اشارات صریح قرآن به حرکت خورشید (هر کدام از معانی حرکت و جریان را که در نظر بگیریم) از مطالب علمی قرآن و نوعی رازگویی است. چون که قرآن کریم در زمانی سخن از مدار (فلک) خورشید و جریان و حرکت واقعی آن گفت که هیئت بطلمیوسی فقط همین حرکت کاذب را به رسمیت می شناخت و این مطلب عظمت علمی قرآن و آورنده آن (پیامبر اسلام) را نشان می دهد اما آیا این اشارات علمی قرآن اعجاز علمی آن را اثبات می کند؟ در این مورد می توان به تفصیل قائل شد؛ یعنی

بگوئیم بخشی از این حرکت ها قبلاً توسط کتاب مقدس گزارش شده بود و لذا اخبار قرآن در این مورد اعجاز علمی نیست. اما بخشی که توسط کتاب مقدس گزارش نشده بود و توسط قرآن، برخلاف هیئت بطلمیوسی بیان شد اعجاز علمی قرآن است. از این جمله فقط حرکت انتقالی دورانی خورشید استفاده می شود اما حرکت های دیگر مثل حرکت انتقالی طولی و حرکت وضعی و حرکت زمانی و حرکت درونی خورشید از ابتکارات قرآن است و اعجاز علمی آن را اثبات می کند. (رضایی اصفهانی: ۱۳۸۰، ص ۱۷۰)

با توجه به معانی ارائه شده از واژه «فلک» می توان گفت بازگشت همه این معانی به همان معنای پایه (سطح برجسته و برآمده و گودی شکل ثابت شبیه تپه) است که بر اساس نقل این منظور کاربرد اولیه واژه هم در همین معنا بود. و به لحاظ تقدم زمانی و کاربرد اولیه، این واژه در معنای فوق شناخته شده تر بوده است. حرکت در معنای «فدک» لحاظ نیست و طرح معنای حرکت از جانب برخی لغوویون، با نظریه دورانی بودن آن حرکت بوده است (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ چ ۸، ص ۱۶۷-۱۶۵) بر اساس آنچه که در ادامه ذکر خواهد شد «فلک» در کاربرد قرآنی اش ناظر به همین معناست. و دقیق ترین واژه برای توصیف موقعیت خورشید و ماه است. با نظر به معنای لغوی می توان گفت فلک سطحی است که به دلیل قرار گرفتن اجرام در آن فضا، برجستگی هایی در اطراف آنها ایجاد شد که در ظاهر مانند تپه های شنی یا زمینی است که به دلیل رشد گیاهان در زیر آن مرتفع تر از اطراف خود دیده می شود.

دکتر نکونام در باب معنای فلک می فرماید که «فلک» از «فلکه» به معنای دوک نخ ریسیده گرفته شده که مدور است و لذا به اعتبار این که آسمان به شکل گنبدی است و خورشید و ماه، دور زمین می چرخند در قرآن گفته شده است که هر کدام در فلکی می گردند.

فخر رازی در این زمینه نوشته است:

«فلک جسم دایره ای با سطح دایره ای یا دایره است؛ زیرا لغویون اتفاق نظر دارند که دوک نخ ریسی از آن رو «فلکه» نامیده شده است که مدور است و چوب مسطح دایره ای را که در سر ستون قرار داده می شود تا چادر پاره نشود، از آن جهت «فلکه» گفته اند که یک صفحه دایره ای است. آسمان را هم «فلک» گفته اند؛ به جهت دایره ای بودنش است. (مفاتیح الغیب، ج ۲۶، ص ۲۸۰)

بنابراین خود همین لفظ «فلک» دلالت دارد که در قرآن طبق نگاه ظاهری سخن گفته شده است؛ نه نگاه علمی. آیت الله مکارم شیرازی می گوید: در مورد آیه «وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ» دو احتمال می دهند؛ یکی حرکت خورشید به حسب حس ما یا حرکت ظاهری [حرکت کاذب روزانه خورشید که در اثر حرکت زمین به خطا دیده می شود و عرف مردم این حرکت را به خورشید نسبت می دهند] دوم: منظور از شناور بودن خورشید در فلک خود حرکت آن همراه با منظومه شمسی و همراه با کهکشان که ما در آن قرار داریم، می باشد چه اینکه امروزه ثابت شده که منظومه شمسی ما جزئی از کهکشان عظیمی است که به دور خود در حال گردش است و در پایان این آیه فی فلک یُسَبِّحُونَ را اشاره به حرکت دورانی خورشید می داند. بدین ترتیب معجزه علمی دیگری از قرآن به ثبوت می رسد. (ر.ک به تفسیر نمونه، ج ۷۷، ص ۳۸۹-۳۸۶)

یکی از صاحب نظران نیز پس از آن که حرکت دورانی خورشید را هر ۲۰۰ میلیون سال یک بار با سرعت ۲۲۵ کیلومتر در ثانیه به دور مرکز کهکشان می داند به آیه ۶ سوره رعد و ۲۲ سوره ابراهیم برای اثبات حرکت خورشید استناد می جوید. (حسین نوری، دانش عصر فضا، ص ۲۵ و ۳۶-۳۵)

استاد مصباح یزدی نیز با طرح آیه فوق (سوره یس، آیه ۴۰) می نویسد:

«قرآن، فلک را چون دریایی می داند که اجرام در آن حرکت دارند و شناورند، پیداست که منظور فضایی است که این اجرام در آن حرکت می کنند و مدار حرکتشان را در آن فضا، تعیین می کنند نه آن چنان که فقها گفتند: فلک حرکت می کند و آنها در فلک ثابتند. قرآن از ابتدا «فرضیه فلکیات» قدیم را مردود می دانسته است... پس از این آیه می توان استفاده برد که اجرام علوی همه در حرکت اند و این چیزی است که نجوم جدید اثبات می کند». (مصباح یزدی، معارف قرآن، ص ۲۵۲)

به نظر می رسد که ظاهر آیه همین معنای دوم (حرکت خورشید در یک مدار) است که با توجه به جمله ذیل آیه کل فی فلک یسبحون تأیید می شود.

۳-۱-۲. معنای مستقر

دکتر نکونام در باب معنای مستقر در آیه ۳۸ سوره یس می فرماید که مستقر دلالت صریحی ندارد که معنای استقرار دائمی باشد؛ لذا بسیاری از مفسران «مستقر» را به معنای استقرار موقت گرفته اند که در غروب اتفاق می افتد. با توجه به اینکه در سیاق آیه سخن از شب و روز است، باید مراد از «مستقر» همان مغرب باشد. (وبلاگ شخصی مدهامتان ۹۳/۸)

احمد محمد سلیمان نیز در کتاب القرآن و العلم می گوید که لام در «لِْمُسْتَقَرِّهَا» اگر به معنای فی باشد حرکت وضعی خورشید می رساند و اگر به معنای الی باشد حرکت انتقالی خورشید را می رساند و سپس می گوید این معجزه بلاغی قرآن است که یک کلمه «لِْمُسْتَقَرِّهَا» دو معجزه علمی را با هم می رساند. (احمد محمد سلیمان، العلم و القرآن، ص ۳۶-۳۵)

آیت الله حسین نوری در مورد آیه «كُلُّ يَجْرِى لِأَجَلٍ مُّسَمًّى» (سوره رعد، آیه ۲)؛ هریک از خورشید و ماه تا زمان معینی به گردش خود ادامه می دهند»

می نویسد: ظاهراً مقصود از اینکه خورشید و ماه تا زمانی معین به گردش خود ادامه می دهند این است که زمانی فرا می رسد که این چراغ های آسمانی خاموش گردد و آن روز قیامت است. (حسین نوری، دانش عصر فضا، ص ۲۵)

همین معنا را سید هبه الله شهرستانی در مورد آیه «الشَّمْسُ تَجْرِى لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا» می پذیرد و می گوید: «مقصود از جریان حرکت انتقالی آفتاب است در اعماق فضا و مراد از «مستقر» زمان استقرار است نه مکان استقرار و معنا چنین می شود: آفتاب حرکت می کند تا هنگامی که باید قرار گیرد یعنی روز قیامت». (رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص ۱۱۹)

رضایی اصفهانی می گوید:

ظاهر آیه (۳۷-۴۰ سوره یس) همان حرکت دورانی خورشید در یک مدار ثابت است که با واژه «یُسَبِّحُونَ» در ذیل آیه تأیید می شود و حرکت انتقالی خورشید به طرف یک مکان نامعلوم را می توان از کلمه «مستقر» استفاده کرد اما تعیین این مکان و یا تحمیل آن بر آیه قرآن صحیح به نظر نمی رسد چراکه تعیین قطعی این مکان مشخص نیست و لذا نمی توان مکان های حدسی را بر قرآن نسبت داد.

اشارات صریح قرآن به حرکات خورشید از مطالب علمی قرآن و نوعی رازگویی است چون که قرآن کریم در زمانی سخن از مدار (فلک) خورشید و جریان و حرکت واقعی آن گفت که هیئت بطلمیوسی فقط همین حرکت کاذب را به رسمیت می شناخت و این مطلب عظمت علمی قرآن و آورنده آن (پیامبر اسلام) را نشان می دهد. اما آیا این اشارات علمی اعجاز علمی قرآن را اثبات می کند در این مورد می توان تفصیل قائل شد؛ یعنی بگوییم بخشی از این حرکت ها قبلاً توسط کتاب مقدس گزارش شده بود و لذا اخبار قرآن در این مورد اعجاز علمی نیست اما آن بخشی که توسط کتاب مقدس گزارش نشده بود و توسط قرآن برخلاف هیئت بطلمیوسی بیان شد اعجاز علمی قرآن است، قسم اول، یعنی بخشی که کتاب مقدس خبر داد، همان جمله ای

است که میگوید: و [خورشید] مثل پهلوان از دویدن در میدان شادی می کند». (کتاب مقدس، کتاب مزامیر، زبور داود، مزبور نوزدهم/۵)

از این جمله فقط حرکت انتقالی دورانی خورشید استفاده می شود اما حرکت های دیگر مثل حرکت انتقالی طولی و حرکت وضعی و حرکت زمانی و حرکت درونی خورشید از ابتکارات قرآن است و اعجاز علمی آن را اثبات می کنند. (رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص ۱۱۳)

۳-۲. هفتگانه بودن آسمان و زمین

در قرآن کریم در آیات بسیاری از تعدد آسمان ها (سماوات) سخن رفته است. در خصوص این آیات بر اثر پیش فرض های متفاوت دیدگاه های مختلفی به هم رسیده است که در این جا ابتدا دیدگاه دکتر نکونام مطرح شده سپس در نقد ایشان دیدگاه های موافقان اعجاز علمی در این آیات آورده شده است.

نکونام در مورد هفت گانه بودن آسمان و زمین می فرماید:

هفت آسمان هفت زمین چیزی جز همین آسمان و زمین معهود ما که با چشم سر مشاهده می شود، نیست؛ بنابراین اینها حسی اند. مردمان گذشته وقتی با چشم غیرمصلح به آسمان می نگریستند، هفت جرم سماوی را می یافتند که حرکت می کنند و طلوع و غروب دارند؛ برخلاف دیگر اجرام که ثابت اند. این اجرام به ترتیب عبارتند از: ماه، عطارد، زهره، خورشید، مریخ، مشتری و زحل، آنان چنین می اندیشیدند که هریک در یک طبقه ای حرکت می کنند. آنان زمین را نیز در تماس با آسمان به هفت اقلیم تقسیم کرده و هر اقلیم را به ازای هریک از اجرام هفتگانه قرار داده بودند.

در قرآن نیز همین تلقی بازتاب یافته است منتها هرگز قرآن در مقام اخبار از آن و یا تأیید آن نیست؛ چراکه اندیشه هفتگانه بودن آسمان و زمین چنین نیست که برای اولین بار در قرآن مطرح شده باشد؛ بلکه چنین اندیشه ای بیش از نزول قرآن هم در میان عرب حجاز مطرح و مسلّم بوده است و اگر در قرآن ذکر شده، در مقام احتجاج بیان شده است و در مقام احتجاج نیز هیچ اشکالی ندارد که به معهودات و مسلمات مخاطبان تکیه شود.

برای تأیید این معنا به سوره ملک اشاره می توان کرد:

«الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ. ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ خَبِيرٌ. وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ بِمُصَابِيحٍ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ وَاعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ (سوره ملک، آیه ۵-۳)؛

همان که هفت آسمان بلند را طبقه طبقه بیافرید در آفرینش آن [خدای] ستایشگر هیچ گونه اختلاف (نقصانی) نمی بینی، بازنگر آیا نقصانی می بینی؟! باز دوباره بنگر تا نگاهت زبون و درمانده به سوی باز گردد و آسمان دنیا را با چراغ هایی آراستیم و آن را وسیله راندن شیاطین گردانیدیم و برای آنها عذاب آتش فروزان آماده کرده ایم».

در خصوص این آیات چند نکته ذکر شده است؛

اولاً: در این آیات گفته است با «بصر» یعنی چشم سر به هفت آسمان نگاه کن؛ بنابراین هفت آسمان باید چیزهایی باشد که برای مردم عصر پیامبر با چشم سر قابل رؤت بوده باشد.

ثانیاً: اظهار شده است که مصابیح یعنی ستارگان عبارتند از همان شهاب هایی اند که به جو زمین سقوط می کنند.

ثالثاً: این مصابیح در آسمان دنیا یعنی آسمان اول قرار دارند.

رباعاً: آنچه در این آیات آمده از نشانه های قدرت و نعمت خداوند برای مخاطبان آیات که مشرکان مکه بودند، برشمرده شده است؛ لذا باید این نشانه ها برای آنان قابل شناخت بوده باشد.

باید توجه داشت که طبق تلقی مردم بین النهرین که عرب حجاز از فرهنگ و تمدن آنان بسیار تأثیر پذیرفته بودند، هفت آسمان عبارت طبقاتی بوده است که هفت جرم سماوی ماه، عطارد، زهره، خورشید، مریخ، مشتری و زحل در آنها طلوع و غروب و حرکت دارند. نیز به باور آنان ستارگان در همان آسمان اول یعنی ماه قرار دارند و این جز به این جهت نبوده است که وقتی با چشم سر به آسمان نگریسته می شود، احساس می شود که شهاب ما همین ستارگان هستند که هر از چند گاهی یکی از آنها از جای خود حرکت می کند و فرود می آید. (دکتر نکونام، وبلاگ مدهامتان و دکتر جعفر نکونام، مقاله معناشناسی توصیفی سماوات در قرآن)

آیت الله مصباح یزدی نیز در کتاب معارف قرآن می فرماید:

«چنان که از برخی آیات برمی آید تعداد آسمان ها هفت است «فَسَوَّهْنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ» [سوره بقره، آیه ۲۹] و «فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ» [سوره فصلت، آیه ۱۲] پس شکی باقی نمی ماند که سماوات، هفت گانه است و هفت به معنای حقیقی عدد هفت است و نه به عنوان نماد کثرت زیرا اولاً خلاف ظاهر آیات است خاصه که در پاره ای از موارد، آسمان ها را تنها با کلمه ی سبع به کار می برد، ثانیاً: وقتی از عدد هفت به عنوان کثرت استفاده می برند که عدد واقعی مورد نظر؛ همان حدود باشد. و مثلاً برای سیصد شیء، عدد هفت به کار نمی برند در حالی که می دانیم طبق نظر علمای نجوم شمار کهکشان ها از میلیون ها تجاوز می کند در این صورت چگونه می توان عدد هفت را بیان کثرت آنها بکار برد؟!». (مصباح یزدی، معارف قرآن، ص ۲۳۹)

دکتر رضایی اصفهانی بیان می کند:

«لفظ آسمان به معنای کرات آسمانی (سیارات و ستارگان) در لغت و اصطلاح نیامده است تا هفت آسمان بر هفت سیاره منظومه شمسی حمل شود، بلی آسمان به معنای جهت بالا، جوّ زمین و جایگاه ستارگان (سوره فرقان، آیه ۶۱. سوره ابراهیم، آیه ۲۴. سوره ق، آیه ۹) در قرآن آمده است ولی به معنای خود ستارگان نیامده است بنابراین کاربرد لفظ آسمان برای کرات نوعی تحمیل بر آن است و اگر قرار بود آسمان را برای کرات و ستارگان به کار برد مخالف حس است چراکه اعراب و غیراعراب در شب ها ستارگان زیادی می دیدند که می توانستند راجع به آنها فکر کنند.

ممکن است مقصود از واژه آسمان در اصطلاح قرآن و اصطلاحات علمی متفاوت باشد (مثلاً یکی آسمان معنوی بگوید و یکی فضای خالی یا جایگاه کرات آسمانی) پس نمی توان گفت که تعارض بین گزاره هفت آسمان قرآن با یافته های علوم کیهان شناسی وجود دارد چراکه علوم کیهان شناسی ادعا می کند هنوز هفت آسمان کشف نکرده است و قرآن ادعا می کند هفت آسمان وجود دارد.

پس با توجه به احتمال اشتراک لفظی واژه «آسمان» نمی توان گفت دو گزاره فوق متعارض است و اگر هم هر دو (علم و دین) یک معنا را اراده کنند باز هم علم، وجود آسمان های هفتگانه را نفی نمی کنند بلکه آنها را اثبات نکرده است اما قرآن از طریق وحی خبر از وجود آنها می دهد پس ممکن است در آینده آسمان های دیگری کشف شود و گزاره دینی به اثبات برسد». (رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص ۹۵ و ۱۰۴)

نتیجه گیری

مهم ترین یافته پژوهش حاضر آن است که علت اصلی مخالفت دکتر نکونام با بحث اعجاز علمی قرآن این است که زبان قرآن را عرف عام می داند و با اعتقاد به این که مخاطب این کتاب فقط عرب عصر نزول است و معتقد است که آیات مطابق نگاه ظاهری و آن چه با چشم غیرمصلح قابل درک است، می باشد و هدف اصلی قرآن را هدایت و سعادت انسان می داند. بنابراین از قرآن نمی توان انتظار بیان مطالب علمی را داشت و اشاره ی قرآن به حرکت خورشید، منظور همین حرکت کاذب و ظاهری خورشید از شرق به غرب است و همچنین هفت آسمان همان هفت ستاره ماه، عطارد، زهره، خورشید، مریخ، مشتری و زحل می باشد.

در مقابل دیدگاه دکتر نکونام، دیدگاه دکتر رضایی اصفهانی و گروه دیگری از اندیشمندان می باشد که معتقدند قرآن کتاب هدایت برای مردم تمام عصرها و زمان هاست و اگر فقط برای عرب حجاز عصر نزول بود الآن باید به یک کتاب تاریخی تبدیل می شد و برای زمان های دیگر تازگی نداشت همچنان که این اتفاق برای خیلی از آثار قدیمی افتاده است.

درست است که هدف اصلی قرآن هدایت و سعادت انسان است اما بیان برخی مطالب علمی و اشارات علمی در قرآن تعارض ایجاد نمی کند و همچنین نباید اکتشافات جدید که مطابق آیات قرآن است را به صورت قطعی به قرآن نسبت دهیم بنابراین اگر دانشمندی با ابزار علمی که در اختیار دارد و قطعیت آن برایش روشن است توانست از برخی ابهامات قرآنی پرده بردارد، کاری پسندیده است مشروط بر آن که با کلمه ی «شاید» نظر خود را آغاز کند و بگوید: شاید- یا به احتمال قوی مقصود آیه چنین باشد، تا اگر در آن نظریه علمی تحولی ایجاد گردد، به قرآن صدمه ای وارد نشود، صرفاً گفته شود که تفسیر او اشتباه بوده است.

منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن منظور، محمد بن مکرّم، لسان العرب، بیروت، دارصادر، ۱۴۱۴.
- ۳- جوادی آملی، عبدالله، قرآن در قرآن، چاپ هفتم، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۹.
- ۴- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، معجم مفردات الفاظ قرآن، افسس نجف، المکتبه المرتضویه، بی تا.
- ۵- رضایی اصفهانی، محمدعلی، پرسش های قرآنی جوانان، قم، پژوهش های تفسیر و قرآن، بی تا.
- ۶-، تجلی جاودانگی قرآن در قاعده جری و تطبیق، فصل نامه اندیشه ی دینی، دانشگاه شیراز، شماره ۲۵، ۱۳۸۶.
- ۷-، علم محوری در تفسیر قرآن کریم، فصل نامه بینات، س ۳، ش ۹، ۱۳۷۵.
- ۸- خویی، ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، قم، موسسه احیاء آثار الامام خویی، بی تا.
- ۹- فخر رازی، امام، تفسیر کبیر مفتاح الغیب، علی اصغر حلب، ج ۱، بی جا، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۳.
- ۱۰- مصباح یزدی، محمدتقی، معارف قرآن، چاپ ۱، قم، موسسه در راه حق، ۱۳۶۷.
- ۱۱- معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، مجتبی خطاط و همکاران، ج ۶، قم، موسسه التمهید، ۱۳۹۲.
- ۱۲-، علوم قرآنی، ج ۱۳، قم، موسسه فرهنگی تمهید، ۱۳۹۱.
- ۱۳-، التفسیر و المفسرون، چاپ ۴، قم، موسسه فرهنگی تمهید، ۱۳۷۹.

- ۱۴- مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، چاپ ۶، ج ۸، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶.
- ۱۵-.....، تفسیر نمونه، ج ۱۸، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰.
- ۱۶-.....، قرآن و آخرین پیامبر، ج ۱۴، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۵.
- ۱۷- محققان، زهرا، بررسی تطبیقی آرای جعفر نکونام و محمدعلی رضایی اصفهانی پیرامون گزاره های علمی قرآن، پژوهش های علم و دین، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ش اول، بی جا، ۱۳۹۴، ۷۹-۹۹.
- ۱۸- نکونام، جعفر، حقانیت علم ظاهری در قرآن، مجموعه مقالات نخستین کنفرانس بین المللی قرآن کریم، انسان و جامعه، بی جا، موسسه دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۹۲.
- ۱۹-.....، راز بیگانگی جوانان نسبت به آموزه های قرآنی، مجله گلستان قرآن، ش ۱۴، ۱۳۸۱.
- ۲۰-.....، معناسازی و اعجاز تراشی بی جا برای قرآن، برگرفته از سایت شخصی در تاریخ ۱۱ اسفند ۱۳۹۲. [http:// www.nekoonam.Parsiblog.com/ posts](http://www.nekoonam.Parsiblog.com/posts)
- ۲۱-.....، معناسازی توصیفی سماوات در قرآن، برگرفته از سایت شخصی.
- ۲۲-.....، وبلاگ شخصی مدهامتان، علوم و معارف قرآن و حدیث، [nekoonam.Parsiblog. com](http://www.nekoonam.Parsiblog.com).
- ۲۳- نوری همدانی، حسین، دانش عصر فضا، ج ۱، قم، انتشارات پارسیان، ۱۳۸۹.